

اقتراح

يرسشى درباره مقايسه تجربه كشورهاى پيشر فتهباايران در رابطه باكارهاى مدنى داوطلبانه

از فقدان ساختار دمو کر اتیک تاحمایت های ناکافی

طرح نو [کار خیر و داوطلبانه در ایران خیلی جدی گرفته نمی شود. شاید به این دلیل که تعریف در ستی از ساختار های آن ارا یه نشده و مردم همیشه بر اساس یک حس خوشایند در ونی و برای به دست آور دن رضای خدا تصمیم می گیرند که وارد کار های داوطلبانه شوند. این در حالی است که در کشور های دیگر ساختار وقوانین جالبی وجوددارد که انگیزه مردم را برای انجام کار خیر بیشتر می کند، مثل شبکهای کار کردن نهادهای مدنی بالاستیاراتی محکوم اور کان های محمومی برای افراد خیرانلی می سوند. طبق نواییل کانهی از تجربه کنسورهای پیشر فند در رابطه با کار هدنی سراغ برخی از اهالان حوزهای مختلف رود از آنها به مناول معانی دوست دارنداز کنام تجربه کشورهای پیشرفند در کار خیر وجود دارد و آنها به مناول هالان مدنی دوست دارنداز کنام تجربه کشورهای پیشرفنده در ايرانبهرەمن

شمابرای رفتن به دانشگاه به کار خیر نیاز دارید

شفيقه فيروزنيا در کشور ما معمولا مردم کار خیر را برای دل خودشان انجاممي دهندو تنهابه رضاى خدافكر

می کنند. در واقع برای عمل خیر افراد پاداش یا امتیاز خاصبی در نظر گرفته نمی شود. برای

مین هم خیلی مرتبر کر برد می سود برای همین هم خیلی هاوقتی پابه سـن گذاشتند، تصمیم می گیرند که یک کار خیر را شروع کنند اما برایم جالب است که در کشورهای پیشرفته

امتیازات زیادی برای افرادی که کار خیر انجام میدهند در نظر گرفته میشود. مثلا نوه خود

من در کانــادا زندگی می کند. او بــرای این که بتواند در یک دانشــگاه خوب ثبتغام کند، باید

حدی از آمتیاز را به دست آورد و اتفاقا یکی از گزینه هایی که همیشه در امتیاز گرفتن

نقش دارد، فعالیت در کار هـای خیر خواهانه و

داوطلبانه است. یعنی از افرادی که متقاضی ثبتنام در دانشگاه هستند، می خواهند که همه تجربه های کار خیر خصو در از کودکی و با ار ایه مدر ک ذکر کنند تا بتوانند امتیاز بیشتر یکه بياورند البتهاين به اين معناني به دست بیورداد ایند این معایی معاییست نه همه افراد از کودکی مجبورند که وارد کار خیر شوند اما به هر حال امتیازاتی به دست می آورند که ممکن است افراددیگر نداشته باشند. همین انگیزه تشویقی باعث می شود تا همه خود را موظف به انجام کار خیر بدانند. همچنین در مدرسه کودکان را بافعالیتهای داوطلبانه آشنا می کنند تا در بزر گسالی انگیزه بیشتری برای انجام این امور داشته باشند اما در کشور ما این حمایت هاهر گزنبودهوبه همین دلیل هم خیلی از افراد به صورت گذری کمکی می کنند و آن را ادامه نمی دهند، چــون معتق ر گاه به گاه چنین اموری تنها برای این که ثواب اخرویداشته باشد، کفایت می کند.

موسسات مردمنهادما، مسكنهاي مقطعي که خلافی نکرده باشی، اتفاقی نمیافتد اما در



براساس تحقيقاتي كه در اين زمينه وجود دارد،

بایدریشت آن را مربوط به دوران هخامنشیان دانست. در آن زمیان وقتی گروهیی کاری داشتند، گروه دیگر به کمیک آنها میآمدند

وبایکدیگر مشغول به کار می شدندواین خرد جمعی پیشینه ای طولانی دارد. بعدها خیریه ها به محد آند

مرکز جمعی پیسییندی طود می درد. بعدها وقت خیر به ها به وجود آمدنند و این خیر به ها وقت خود را صرف کمک به دیگران می کردند و این کار با تمام وجود و با اخلاص انجام می گرفت اماتنهادر دهمهای گذشته است که کار خیر به

سازماندهى مى شودو بەصور ت تخصصى روى

آن کار انجام می گیرد. از این حیث کشورهای دیگر در حدود ۱۰۰ سال جلوتر از ما هستند و

. . . را میکنند. آنهااز صفر تا ۱۰۰ کار تخصصی کار میکنند. آنهااز صفر تا ۱۰۰ کار را مورد بررســـی قرار میدهند. ســازماندهی،

استراتژی و برنامه عمل دارند. مشکل اکنون

این است که ماوارد این مباحث نشدهایم و به تازگی مشغول تفکیک هستیم. در شروع کار

داوطلبانه هم ما در ایران مشکلات گستردهای داریم که در کشورهای دیگر این طور نیست. در

کشورهای دیگر، کار راشروع می کنی و تازمانی

وبايكديگر مشغول به كار مىش

ايران برعكس است. ن.ر سازمانهای مردمنهاددر کشورهای مختلف شبکهای کاری مرحبهه مرا سور معلولان همه یک شبکه را ایجاد کرده و صدای واحدی می شوندو تمامی حوزه ها عماز توانمندسازی، فرهنگ سازی، حساس سازی جامعه، درمان و ... رامورد بررسی قرار می دهند. مـن سال هاست عضـو شـبکه ار تباطی

سازمانهای غیردولتی زنان ایران هس شــبكه بيش از هزار ســازمان عضو درون خود دارد. این شـبکه از جمله شبکههایی است که در ارتباط با حـوزه زنـان کار تخصصی انجام مىدىدە، در بحث قانونى و - وارد مىشوداما براى مثال در كشور شبكە معلولان نداريم. من بارهااساسنامە اين شبكەرامم،نوشتەام امابقيە . را با می کنند. یکی از اختلافات فاحش همکاری نمی کنند. یکی از اختلافات فاحش در این است. در خارج از کشور حتی شبکهای وجُود دارد که فقط برای معلولیت دست است و از این حیث کارهای اساسی انجام میدهند. در ایران ممکن است کارهایی انجام دهیم اما ماندگارنیستندوتنهامسکن مقطعی هستند. ممکن است از لحاظ کمیت زیادبوده باشیم اماکیفیتمان خوب نبوده و همین فرق مابا کشورهایی است که خیلی دقیق در این حوزه گام بر داشتهاند.

كاشمىشدساختارهارا تغييردهيم

زياد و غيرموثر واكنش نشان دهند. دسته اول ر. بر بر رز بر در ایران بیشترند که البته به هیچ کدام نمی توان ایـــراد گرفت امـــا واقعیـــت این اســت که اگر ان جُىاوهًا بخواهندُ موثر باشندٌ و رسالتشانُ راانجام دهندبايددر كسر كمى از زمان واكنش نشــان دهند. در حال حاضر انجمنها باید به کارهای آموزشیکی بدون چالش هیای روزمره مشغول شوندو درگیر خبرهایی مثل ماجرای سگهای شیراز نشسوند. اگر بخواهند ساختار دموکراتیک داشته باشند، باید کار آموزشی را با قسمتى إز جامعه مثل بجهها شروع كنندووارد این جریان های خبری نشوند تا پایدار باش ىند و رسالتشــان راانجام دهند.از سوی دیگر برای ر میں مورد نیاز های اور ژانسی جامعه فعالان طبیعت باید وارد شوند که استقلال کامل دارند ودرزمان خیلی کمی می توانند تصمیم بگیرند وپیگیری کنند.



نگاه منتقد

پس مباحث آن به تدریج در همـه پایه ها تدریس خواهد شد^۱.» در حال حاضر کتابی با عنوان تفکر و سبک زندگی (ویژه دختران) و کتاب تفکر و سبک زندگی (مشترک دختران و پسـران) در پایه هفتم (پایه اول دوره اول متوسـطه) و کتاب تفکر و سبک بندگی(ویژه پسرها)در پایه هشتم تدریس می شود. ممان طور کـه به کـرات در رسـانه ها و آکادمی گفته شــدهُ اسـت، پیش از این جای خالی آموزش مهارتهای زندگی در مدارس به جداحساس می شد پایین بودن میسزان مهارت هایی مثل مهارت روابط ، بیم گیری به ارایه این دروس بود. از ایــن رو باید آغاز این کار را ندم مثبت و رو به رشدی دانست اما به نظر می رسد ساختار معیوب نظام آموزشی، فرصت بهرممندی از این تغییر رااز ماخواهد گرفت واثرات مثبت آن را کاهشِ خواهدداد.

اول آن که معمولا دروسی از این دست در مدار . اول ک معمود دروسی زین دست در مدرس به حاشیه رانده می شوند مدیران کتابهایی از این دست راجدی نمی گیرندو به آنها به چشم زنگ تفریحی میان درسهای جدی و اصلی مثل ریاضی و علوم نگاه می کنند معمولا تدریس آنها به معلمان دروس دیگر از جمله پرورشی، دینی وعلوم اجتماعی سپرده میشــود؛ کســـانی که تخصصی نسبت به محتّوای درس ندارند، مدیر انتظار دارد معلم با کمی تســـاهل و تســامح برای همه دانش آموزان نمرات محسر ر تســـاهل و تس بالا «رد كُنُد» تا ميانگين معدل مدرَّسه بالا برود، رحالي کــه در مورد دروس بــه اصطلاح مهم مثل ریاضی و علوم چنین توقعی وجود نداد همچنین با رویکرد مشابعی از طرف خانوادهما مواجه هستیم که از فرزندان خــود می خواهنــد دروس مهم تر را در اولویــت قرار دهند نتیجه آن کـه این دروس در ىدرسەمورد بى اعتنايى قرار گرفتە و حالتى دكورى وصورى بەخودمى گيرند.

ر رزی. البته مشــکلات مابه همین جاختم نمیشــود. واکنش دانشآمــوزان به کتابهایی از این دســت خُودداستان مفصلي است كەنياز بە مطالعەوبررسى دارد. جدا از اين كە دانش آمــوزان، بالطبع والدين و مراد بعاری کی دیسی سروی کی در این کتاب را به اهمیت تلقی می کنند. نسبت به آن حالتی تدافعی نیز دارند. این کتاب در سن بلوغ به نوجوانان عرضه می شــود و آنها در این ت دارند با اعلام بی نیازی از دریافت موعظه، ورود خود را به جهان بزرگسالی اعلام کنند. حال تصور کنید، دقیقا در چنین سنی نظام آموزشی بالای منبر رفته تا به دانش آموز چگونه زیستن را بیاموزده آن هم باروابط اقتداری که به صورت سنتی ... رو می ۱۰ رو ... ین معلم و دانشآموز وجــود دارد. دانشآموزان با نمسخر و تحقیر کتاب مهارتهای زندگی، بی نیازی خوداز دريافت اين آموزها را نشان مي دهند؛ رقابتي براي نمايش توانايي وبلوغ! گذشته از اين مسائل، ساختار كلان نظام آموزشي

خود تهدیدی برای این دروس به حسـاب میآید تا کنون سـاختار «حفظـی»و «تمرهمحور» نظاه آموزشّی، کتابھاُرااز محتوای اصٰلی خُود تھُی کردہ و به جزییات سطحی و تستی غیر قابل کاربرد تقلیل دادهاست. حال بيم آن مىرود كه مهارت هاى زندگى چار شده در دام «یادگیری برای امتحان» گرفتار آیدو درنهایت محتوای آن س از از «کات طبقهبندی شــده» در بیاورد. حال با نظام آموز شــی نمرهمحور و حفظی، مدر سه ناآگاه، معلم ص ودانش آموز مسلح به تمسخر و تحقير ، چە آيندەاىبراىمھارت ھاىزندگى متصوراًست؟ ۱. به نقا

http://www.kanoon.ir/Article/5868

پرانتز

۔ اس بی کیفیت را

بیان احساس مساوی است باعقده ای نشدن

که پرخاشــگری انواعــی دارد و می توانــد کلامــی و ېر غیر کلامی باشد. فروشندهای که جنس دست دومی را به جای جنس نو و آکبند می فروشد، نوعی پر خاشگری انجام دادهاست. صاحبخانهای که کرایه خانه را ناعادلانه بالامى،بىرد، پارچەفرۈشىيى كە اج ه حــای بار جههای در جه بــک و اعلا جامی زنــد و . همگی به نوعی پرخاشـگری انجام دادهاند که می تواند ناشـــی: رقی بر ناشـــی از عقدمهای روانی آنها در گذشـــته باشد. برای هر فردی اولیـــن جایگاه و مکانی کــه در آن اجازه بیان احســاس به او داده میشــود، خانواده اســت و اولین افرادی که کودک به آنها ابراز احساسات می کند، والدیر ، در حقيقتافرادنجوه صحيح بيان احساسات ي حبس کردن آن را در خودشان از خانواده یاد می گیرند. خانوادهای که ابراز احساسات محبت آمیز و مثبت در آن بسیارزش تلقی می شود، ممکن است به صورت ناخواسته این موضوع را در اعضای خود نهادینه سازد که اگر نمی توانید احساسات مثبت خود را ابراز کنید، خب احساس منفى راكه مى توانيد. يعنى بدين سبب، وجود و ابراز احساسات پر خاشـگرانه تقویت شــده و ارزش تلقــی می شود. متأسـفانه ابراز احساســات مثبت در خانواده های ماایرانیان در این چند سال اخیر به نحوی، نادرست شـ مردہ می شـود مادری می گفت

آخر اگر بــه بچەھــا روی خوش نشــان دهیـــم، پررو میشــوند! با این طرز فکر نادرســت خودمان ریشــه عقدهای بے دن را در فرزندانمـــان قـــوت مے بخشــ وب آنها يادمى دهيم كه احساسات خوب وبيان آنها دردسر ساز و احساسات منفى و برون ريزى آنها ت! با حداقـــل بذير فته شــ ىمن اســ » همراه القای این فکر و باورها به فرزندانمان، خود، اتواع اختلالات, ا در آنهانا, و, ساخته و آنها, ابرای, فتا, ابهنجارداشتن درجامعه پرورش دادهایم.



یافته بود و آن ایجاد کر دن همان حــال بدی که خودم خواندنم و با کسب بهترین نمرات، بسیار تلاش کردم ر موصفح و به نصب بهترین مردراگرفتم که میدانم حقم امادر درس شما کمترین نمردراگرفتم که میدانم حقم نیست. بالاخره روزی نوبت من هم میرسد استاده من عقدهای بودن را از شسما یاد گرفتم، من هم روزی تلافی نجربه کــرده بودم برای دیگران بود.داســتانی که ذکر کرده، خاطره یکیازاساتید دوران تحصیله بودایشان در ادامه گریزی داشتند بر تعریف عقده و این که منظور خواهم کرد و رفت.مدتی در کلاس باخود تنها بودم. یاد گذشته و خاطردام با آن استاد قدیمی افتادم. احساس شده و به شکل یک گره روانی در زمینه ای خاص شکل می گیرند و آن وقت است که رفتارهای فرد در آن زمینه آن دانشجُو را کاملاً درک می کردم انگار او گذشته منّ بــود،بااین تفــاوت که من جــرأت به زبــان آوردن این خاص حاکی از نوعی احساس خُشم و ناراحتی است که اکنون به شـکل پر خاشـگرانه در از تباط با دیگران عبارات رابه استادم نداشتم واواين جسارت رابه خرج بار کر به مستم معشی و بی مسر کر به سرع داد آن دانشجو درست تشخیص داده بود. من عقدهای بودم. در حقیقت بـــا به وجود آمــدن ناراحتی هایی که ظهــور مىيابد ما روزانــه در ارتباطهايمان بــا بودم در خفیفت به وجود اصلان نراختی هایی قد در گذشته برایم پیش آمنده بود جایی در ذهن من مشفول دانشته بود احساسی که جرات خروج در گذشته را پیدا نگرده بود، پس از ســالها متراکم و جعشن در ذهن من، حالا به شــکل یک عقد بروز دیگران عقدههایمان رانشان میدهیم، به نحوی که در اکثر آنهاخود از این موضوع آگاه نیستیم، شاید بتوان دیگان غ اینگونه بیان کرد که بیشتر خشونت هاو پر خاشگری هایی که افراد نسبت به دیگران دارند نشانه همین عقدهها ی احساسات بیان نشـده در گذشته است. قابل ذکر است



طبق قانون هر سال دو يايه تحصيلي جديدبر اساس . بی روی در درجه درجه . الگومستقر خواهد شـد. آموزش درس مهارتهای زندگی از ثمرههای قابل توجه این تغییرات بود که دُر ســالُ ۹۱ وزیر آموزش و پُرورش از تدریس آُن در مدارس خبر داد. به گفته وی: «آموزش مهارتهای زندگی از پایه ششــم ابتدایی آغاز می شود و از این

ابتدایی، ۳سال متوسطه اول و ۳سال متوسطه دوم . تغییر داد.براساس زیرنظامهای سند تحول بنیادین (اجرای نظام ۶–۳–۳ و برنامه درس ملی) همزمان با تغییر مقاطع تحصیلی، محتوای کتب در سـی نیز باید تغییر یابد. تغییر کتب در سی از سال تحصیلی ۹۲–۹۱ و با استقرار پایه اول و دوم آغاز شده است و

یس از ابلاغ سند تحول بنیادین آموزش ویرورش پی (میری) اوست مول بیمی به رسیری وروسی (۱۳۹۷) توسط مقام معظم رهبری که سند مادر حوزه آموزش ویرورش به حساب می اید تغییر و تحولات عمدهای در نظام آموزش و پسرورش آغاز شیده است. استقرار نظام ۲–۳-۳ اولین قد مد ، ب د. (۱۳۹۲) توس اجرای این سند بود که مقاطع تحصیلی را به ۶سال





گیج و دلسرد بودم. با خود فکر می کردم من هم روزی تلاقی خواهم کرد موضوع از این قرار با که یکی از اساتید دانشگاه که بسیار باجذبه به نظر میرسید، همیشه نمرههایمان را کمت را زآن چینزی که فکر می کردیم می داد. هیچ کس جراز اعتراض کردن به نمره های این استاد را نداشت و همه باید به نمراتشان قانع می بودند، چــون در صورت اعتــراض، ممکُن بود خشم|ودامنگیر آنهاشود.

من که با تلاشٌ بسبیار سعی داشتم همیشه بهترین نمرات را بگیرم، درس آن استاد برایم معضلی شده بود. در حقیقت تلاش کردن یا تلاش نکردن برای درس او بی بی فایده بــود. چون نمرات همه یکســان و فقط در حد قبولی بود. آن روزها با همه مشکلات و دردسرهایی که ناشت سپری شد و من به جایگاه استادی ر سیدم. اوایل كار تصميم داشتم بهترين شيوه تدريس رااجرا كنّم و دانشجويانم راافرادى خلاق، بااراده وجوياى علم پرورش دهم، بسّیار انگیزه داشتم اما بعداز مشّاهده این که متاسفانه اغلب دانشجویان درس و دانشگاه را فقط برای تفریح یا مقاصد دیگری دنبال می کردند، بســیار دلسردشــدم، تصمیم گرفتم روینامرا عوض کردهو در قبال مطالب بسیار و باارزشی که در اختیار دانشجویان میگذاشته، نمرات را با دقت زیاد و در جهت به حداقل رســـاندن آنها اعمال میکردم، مدتی این روش را ادامه رستندان به سنان یې ترمیسانی یو روس در اسمام کلاس، دانستویی دادم تااین که یک روز پس از اتمام کلاس، دانستویی نزدمن آمدو بانگاهی خسته و نالان به من گفت: این